

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 5, Summer 2020, 423-450
Doi: 10.30465/crtls.2020.5392

A Critique on the Book “*The Mixed Method Research*”

Mustafa Hamadani*

Abstract

“*The Mixed Method Research*” written by Dr. Ali Delavar and Dr. Shirin Koshki has been used as a textbook for human and social sciences in the new field of mixed methods. This book contains some drawbacks which are investigated in the current research. This paper having descriptive and analytical method presents several considerations on formal and contextual criticisms as well as structural criticisms. The researcher criticizes this book for such mistakes as (1) wrong book title, (2) weakness in concept extraction of mixed methods, (3) unpleasant book structure and inexpressive section headings, (4) long paragraph, (5) spelling, grammar, and editing mistakes, (6) numerous quotations from other sources without reference, (7) some irrational section headings that are not consistent with the contents, (8) use of ambiguous terms, (9) incorrect graph drawing and numerous problems in their graphic indications, (10) weakness in explaining and proving paradigmatic foundation of mixed methods, and, lastly, (11) introducing the work as authored book while it is translated-authored work.

Keywords: Research Method, Mixed Method, Multimethod Research, Book Review

* Graduated in Fiqh and Philosophy (Level 4, Advanced Level Professor in Qom Seminary),
Ma13577ma@gmail.com

Date received: 2020-01-02, Date of acceptance: 2020-06-16

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد کتاب روش تحقیق آمیخته

مصطفی همدانی*

چکیده

کتاب روش تحقیق آمیخته تألیف دکتر علی دلاور و دکتر شیرین کوشکی مدتی است که در حوزه نوپدید روش‌های ترکیبی (آمیخته) به‌منزله متن درسی در رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی تدریس می‌شود. این کتاب برخی نقیصه‌ها دارد که نقد فرارو به‌تصحیح این نقیصه‌ها پرداخته است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده و علاوه بر نقد ساختاری، ملاحظات متعددی نیز در نقد صوری و محتوایی این کتاب ارائه کرده است.

انتخاب نادرست عنوان کتاب، ضعف مفهوم‌کاوی درباره عنوان «روش‌های آمیخته»، ضعف جدی ساختاری و عنوان‌بندی نارسا، بندهای طولانی، پاره‌ای از اغلاط املائی و ویرایشی، اقتباس‌های متعدد از منابع بیگانه بدون ارجاع، غیرمنطقی بودن برخی عناوین به‌جهت انطباق‌ناپذیری با محتوا، استفاده از اصطلاحات مبهم، ترسیم نادرست نمودارها و اشکالات متعدد در دلالت تصویری آن‌ها، ضعف در تبیین و تثبیت مبنای پارادایمی روش‌های آمیخته، و درنهایت استفاده از عنوان «تألیف» برای یک اثر ترجمه‌ای - تألیفی از مهم‌ترین نقدهای نگارنده به این کتاب است.

کلیدواژه‌ها: چندروشی، روش تحقیق، روش‌های آمیخته، روش‌های ترکیبی، روش‌های تلفیقی، نقد کتاب.

* سطح چهار حوزه علمی قم، استاد سطوح عالی حوزه علمی قم، Ma13577ma@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۷

۱. مقدمه

سال‌ها روش‌های تحقیق در دو ساحت مجزا دسته‌بندی می‌شدند: روش‌های کمی و کیفی. این دسته‌بندی با منازعه‌هایی ریشه‌دار در میان این دو اردوگاه، که هریک تعلقات پارادایمی خاص خود را داشته‌اند، همراه بوده است که گاه رقابتی کور و بدون منطق و مبنا و مزیت را در عرصه روش رقم زده‌اند و در برخی موارد، از مدار هم‌اوردی سازنده خارج شده است و حتی یک‌دیگر را نفی کرده‌اند: آیا اصولاً روش‌های کمی یا کیفی را می‌توان روش تحقیق نامید یا خیر؟

در این درگیری، معمولاً غلبه با روش‌های کمی بوده است و این روش‌ها از موضع برتر به تحقیر روش‌های کیفی پرداخته‌اند تا این‌که در دهه‌های اخیر با شکسته‌شدن هیمنه روش‌های کمی و تضعیف تسلط پارادایم اثبات‌گرایی، روش‌های کیفی مورد توجه بیش‌تر قرار گرفتند و پرسش تقابلی یادشده در صورت رقابتی آشتی‌جویانه بازتولید شده است که آیا روش‌های کمی بهتر واقعیت را کشف می‌کنند یا روش‌های کیفی؟ سرانجام با ظهور روش‌های آمیخته، افقی تازه در حل و بلکه انحلال این منازعه ایجاد و بستری نوین فراهم شده است تا این انکار و عناد ویران‌گر و آن رقابت کور و عصیان‌گر به مساهمت و مشارکت در کشف حقیقت تبدیل شده است.

روش‌های آمیخته (mixed methods research) عبارت‌اند از روش‌هایی که محصول به‌کاربردن دو یا چند روش کمی و کیفی‌اند و البته دست‌کم باید یکی کمی و یکی کیفی باشند (اگر هر دو کمی یا کیفی باشند، چندروشی است نه آمیخته) و نتایج آن‌ها نیز در جهت پرسش یا پرسش‌های تحقیق یک‌دست شوند.

تا سال ۱۳۹۵ نوزده عنوان کتاب در حوزه روش‌های آمیخته در ایران چاپ شده‌اند (ده عنوان در روش‌های کمی، کیفی، و آمیخته که هر سه با هم در یک مجلد بحث شده‌اند و نه عنوان در روش‌های آمیخته به‌تنهایی) که برخی محققان این نوزده عنوان را با تفصیل بیش‌تر معرفی کرده‌اند (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به کوکبی و دیگران ۱۳۹۵: ۱۴۶). از آن‌پس دو عنوان کتاب ارزش‌مند دیگر نیز به این حوزه افزوده شد که به شرح زیر معرفی می‌شوند:

۱. شارلین نگلی هسی بیبر (۱۳۹۶)، روش تحقیق آمیخته (به‌هم‌پیوستن نظریه با عمل)، ترجمه مقصود فراست‌خواه، تهران، نشر مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛

۲. تشکری، عباس و چارلز تدلی (۱۳۹۷)، راه‌نمای روش‌های آمیخته: در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی، ترجمه دکتر مرتضی اکبری، زهرا فزونی اردکانی، ضرغام عبدالهی‌پور، سارا جعفری، و نیلوفر مسروری، انتشارات دانشگاه تهران.

یکی از آثار درخور توجه جامعه علمی در این حوزه کتاب روش تحقیق آمیخته تألیف مشترک دکتر علی دلاور و دکتر شیرین کوشکی است. این کتاب اشکالات صوری، ساختاری، و محتوایی متعددی دارد و باتوجه به جایگاه تخصصی دکتر دلاور و موقعیت خاص این کتاب، که در بخش بعد معرفی خواهند شد، و از طرف دیگر کمبود و ضعف عمومی و همیشگی متون درسی روش تحقیق در کشور ما و وجود اشکالات متعدد در این کتاب خاص، نگارنده این فرصت را برای خود مغتنم دانسته است که با نقد ابعاد صوری، ساختاری، و محتوایی این اثر در ارتقای آن سهمیم شود.

طبق تتبع نگارنده تاکنون مقاله‌ای به نقد تفصیلی این کتاب در ابعاد نقد صوری، ساختاری، و محتوایی نپرداخته است؛ جز نوشتاری در حدود چهارده صفحه از آقایان کوکبی، چشمه‌سهرابی، و عظیمی با عنوان «بنیان‌های فلسفی روش‌های تحقیق کمی، کیفی، و آمیخته» به‌بهانه نقدی بر کتاب روش تحقیق آمیخته که در سال ۱۳۹۵ منتشر شده است. درون‌مایه این مقاله (با حذف مقدمات، معرفی مؤلف، سابقه تحقیق در این حوزه، منابع، و...) در حدود چهار صفحه و با تمرکز بر دو محور است؛ یکی این‌که کتاب مذکور برگردانی از کتاب کرسول و پلینوکلاک است که تغییراتی در آن داده شده است و دیگر این‌که در موارد متعدد در ترجمه اشتباه کرده است.

کوتاه‌نوشت یادشده در هر دو محور نکاتی مفید را در نقد این کتاب ارائه کرده است، اما اولاً به نقد کامل یعنی نقد صوری، ساختاری، و محتوایی کتاب نپرداخته است و ثانیاً دو مضمون محوری مورد نظر ناقدان ربطی به عنوان مقاله یعنی «بنیان‌های فلسفی روش‌های تحقیق کمی، کیفی، و آمیخته» ندارد. البته در پایان مقاله یادشده در حدود نیم‌صفحه از این موضوع بحث شده است، اما روشن است محتوایی در این سهم نمی‌تواند در عنوان مقاله حضور یابد.

نقد فرارو برای دست‌یابی به اهدافی که پیش‌تر یاد شد و در جهت تکمیل نقد آقایان کوکبی، چشمه‌سهرابی، و عظیمی سه پرسش اصلی ارائه کرده و در پی پاسخ‌یابی به آن‌ها سامان یافته است:

۱. وضعیت صوری کتاب روش تحقیق آمیخته تا چه اندازه صحیح است؟
۲. ساختار کتاب روش تحقیق آمیخته تا چه اندازه دارای پشتوانه منطقی است؟
۳. محتوای کتاب مبانی نظری و... تا چه اندازه درست است؟

۲. معرفی مؤلفان

دکتر علی دلاور، از استادان درس روش تحقیق است که به‌شکل تخصصی در این رشته تحصیل و تدریس کرده است و در دانشگاه علامه طباطبایی کرسی استادی دارد. او در سال ۱۳۵۸ مدرک دکتری خود را از دانشگاه ایالتی فلوریدا در رشته روش‌های تحقیق و آمار اخذ کرده و پس از آن نیز سال‌ها به تحقیق، تدریس، و تألیف در این حوزه پرداخته است (دلاور بی تا). دکتر دلاور کتب متعددی در حوزه «روش تحقیق» و آمار چون روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، روش تحقیق آمیخته، روش‌های آماری در روان‌شناسی و علوم تربیتی، مقدمه‌ای بر احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی - و علوم تربیتی، و مقدمه‌ای بر تحلیل عاملی تألیف کرده است که هر یک علاوه بر امتیازات خاص خود خصیصه مشترکی دارند؛ این که مؤلف آن‌ها ذاتاً روش‌شناس است، نه روان‌شناس، جامعه‌شناس،... و بالعرض روش‌شناس. گستردگی تتبع و دست‌رسی مؤلف به منابع اصیل دیگر امتیاز مهم در عموم آثار ایشان است.

دکتر شیرین کوشکی، عضو هیئت‌علمی دانشکده روان‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی است که تعدادی مقاله علمی نیز در کارنامه دارد و نگارنده به تألیفی جز کتاب موردبخت در این مقاله از ایشان دست نیافته است.

۳. معرفی تألیف و بیان محاسن آن



کتاب‌ها بر دو دسته‌اند: کتب علمی (scholarly books) و کتب درسی (textbooks). کتاب‌های علمی به کتاب‌هایی اطلاق می‌شوند که اندیشمندان یک رشته براساس تجربه و مطالعات عمیق خود می‌نویسند. این گونه کتاب‌ها حاوی فرضیه‌ها و نظریه‌های علمی در رشته خاص‌اند و کمتر استفاده می‌شوند، مگر در دوره‌های عالی مانند دکتری که دانشجویان در این دوره‌ها دارای سطح بالایی از درک مطلب‌اند، اما کتب درسی با هدف آموزش اصول و مفاهیم اولیه رشته‌های خاص به‌منظور آماده‌کردن دانش‌آموزان و دانشجویان برای آموزش‌های سطوح بالاتر نوشته می‌شوند (ریاضی ۱۳۸۷: ۲۱۱).

کتاب روش تحقیق آمیخته از گروه دوم محسوب می‌شود و با انگیزه تدریس به‌منزله یک متن درسی نوشته و به‌گواهی مؤلفان پیش‌تر نیز در دوره‌های مختلف تدریس شده است (دلاور و کوشکی ۱۳۹۸: مقدمه).

نسخه مورد استفاده در این بررسی انتقادی چاپ پنجم کتاب روش تحقیق آمیخته در سال ۱۳۹۸ است. چاپ اول این کتاب را انتشارات ویرایش در بهار ۱۳۹۲ در ۲۳۰ صفحه، در قطع وزیری، و با جلد شومیز منتشر کرده و در زمستان همان سال به چاپ دوم رسیده است.

بخش‌های اصلی این نسخه در جدول ۱ معرفی شده است.

جدول ۱. فصل‌بندی کتاب روش تحقیق آمیخته (منبع: نگارنده)

فصل اول: معرفی روش آمیخته
فصل دوم: پیش‌فرض‌های پژوهش آمیخته
فصل سوم: بررسی ادبیات پژوهش آمیخته
فصل چهارم: طرح‌های پژوهش آمیخته
فصل پنجم: روش اجرای پژوهش آمیخته
فصل ششم: تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده
فصل هفتم: تفسیر و نگارش

این کتاب محاسنی دارد که از جمله می‌توان به زیبایی جلد، چاپ مرغوب، صحافی محکم، اندک بودن اغلاط املائی، و وجود پرسش‌ها در آخر هر فصل اشاره کرد. طرح پرسش در متن درسی سبب می‌شود خواننده به نکات اصلی متن بیش‌تر توجه کند و از سوی دیگر سبب تقویت یادگیری می‌شود و به فهم بیش‌تر و بهتر متن کمک می‌کند (آرمند ۱۳۸۴: ۴۸).

۴. یافته‌های تحقیق در نقد صوری

اشکالات صوری کتاب در ابعاد ویرایشی و املایی در یازده محور به شرح ذیل است.

۱.۴ فقدان بسم‌الله در کتاب

عنوان «بسم‌الله» در هیچ جای آغاز کتاب وجود ندارد. نگارش نام خداوند در آغاز تألیف رایج، مطلوب، و منطبق با توصیه‌های اسلامی است. در روایت است تمام کارهای ریزودرشت خود را با نام خدا آغاز کنید (حرعاملی ۱۴۰۹: ۷، ۱۶۹) و در حدیث است که هر کاری با نام خداوند آغاز نشود، ناموفق خواهد بود (همان: ۷، ۱۷۰). البته نگارنده با الگوی رایج یعنی وجود یک صفحه مستقل برای «بسم‌الله» در آغاز تألیفات نیز موافق نیست و آن را اسراف می‌داند، بلکه پیش‌نهاد می‌کند در همان صفحه ابتدایی، که نام کتاب و مؤلف وجود دارد، نام مبارک الهی نیز به شکل کوچک در بالای عنوان کتاب درج شود.

۲.۴ وضعیت ترجمه یا تألیف بودن اثر

نویسندگان محترم روی جلد از عنوان «تألیف» استفاده کرده‌اند، اما در این کتاب صفحه‌ای وجود ندارد که دو یا چند ارجاع در آن نباشد و اگر هم گاهی ارجاعی دیده نمی‌شود، دلیلی بر نگارش مؤلفان نیست، زیرا نگارنده این مقاله موارد متعددی از متن و نمودار را یافته است که ارجاع ندارند، اما درحقیقت ترجمه عینی از مطالب کتاب‌های دیگر است که در ادامه در این مقاله به آن‌ها اشاره خواهد شد. این‌گونه آثار را، که رو به فزونی‌اند، باید «ترجمه و تألیف» نامید.

برخی ناقدان، که در پیشینه به کار آنان درباره این کتاب اشاره شد، بر این باورند این کتاب اصالت ندارد و ترجمه از کتاب کرسول است:

بررسی دقیق کتاب نشان می‌دهد محتوای آن را پیش‌تر، یعنی در سال ۲۰۰۷، کرسول و گلینوکلاک در کتابی با عنوان *Designing and Conducting Mixed Methods Research* منتشر کرده‌اند. البته مؤلفان تغییرات و جابه‌جایی‌هایی در فهرست و متن ایجاد کرده‌اند (کوکبی و دیگران ۱۳۹۵: ۱۳۹-۱۴۸).

ایشان در ادامه، فصل چهارم این دو کتاب را در یک جدول مقایسه کرده و همین جدول را شاهد مدعای خود، یعنی عینیت دو کتاب، انگاشته‌اند بدون این‌که ادعا کنند کل دو کتاب

را تطبیق داده و این یک فصل را به منزله نمونه ارائه کرده‌اند (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به همان: ۱۳۹-۱۴۸). در حالی که عینیت یک فصل دلیل بر عینیت کل کتاب نیست و دیگر این که نگارنده در مقاله فرارو نشان داده است ایشان در فصل اول نیز اقتباس‌های زیادی از فصل اول کتاب هسی بیبر انجام داده‌اند، اگرچه باز هم فصل اول این کتاب، عین آن فصل نیست. بنابراین، دست‌کم فصل اول این کتاب ترجمه کتاب کرسول و گلینوکلارک نیست و در نتیجه، کلیت ادعای ناقدان یادشده شکسته می‌شود و به نظر می‌رسد اصالت اثر به معنای مورد نظر ایشان خدشه‌دار نیست.

نگارنده در این بخش به مقایسه این اثر با کتاب *Mixed Methods Research: Merging Theory with Practice* تألیف هسی بیبر پرداخته و در پایان، در پرتو این یافته‌ها و یافته‌های آن ناقدان، درباره تألیف از این منظر یعنی اصالت، تألیف یا ترجمه بودن قضاوت می‌کند. یافته‌های نگارنده در مقایسه این کتاب با تألیف بیبر به شرح زیر است:

۱. نمودار صفحه ۲۸ در کتاب روش آمیخته، عیناً در کتاب هسی بیبر ارائه شده است (Hesse-Biber 2010: 10)؛

۲. نمودار صفحه هفتاد در کتاب روش آمیخته نیز عیناً در کتاب هسی بیبر ارائه شده است (ibid.:36)؛

۳. در فصل سوم کتاب روش آمیخته، در صفحه هفتاد مبحثی با عنوان «بررسی و نگارش مقدماتی ادبیات پژوهش» ارائه شده است که به عینه در کتاب هسی بیبر مبحثی با همین عنوان یعنی «Your Literature Rewriting Up» و همین محتوا وجود دارد (ibid.: 37)؛

۴. در فصل سوم کتاب روش آمیخته، در صفحه ۷۹ مبحثی با عنوان «نقش ادبیات پژوهشی در روش‌های آمیخته» ارائه شده است که به عینه در کتاب هسی بیبر مبحثی با همین عنوان یعنی «The Role of the Research Literature» و همین محتوا وجود دارد (ibid.: 35).

۵. نمودار صفحه ۹۳ در کتاب روش آمیخته، عیناً در کتاب هسی بیبر وجود دارد (ibid.: 43).

۶. فصل اول کتاب بیبر با این عنوان است:

Introduction to Mixed Methods Research

بسیاری از مطالب این فصل از کتاب بیبر عیناً در فصل اول کتاب روش آمیخته مندرج است. صفحات اول و دوم این کتاب که ذیل عنوان «مقدمه‌ای بر پژوهش آمیخته» ذکر شده‌اند، دقیقاً مطالب هسی بیبر در دو صفحه اول است که البته هسی بیبر برای آن صفحات

اولیه، که به حکم مقدمه بر فصل است، عنوان‌گذاری نکرده است و حتی ارجاعاتی که در این فصل از آن کتاب وجود دارد نیز دقیقاً در این فصل از کتاب روش آمیخته با همان تاریخ نشر و صفحه وجود دارد. برای مثال، در اولین ارجاع در صفحه یک بیبر این ارجاع وجود دارد: (Hesse-Biber and Leavy 2006b; Sandelowski et al. 2009) و در اولین ارجاع در کتاب روش آمیخته نیز در صفحه دو نوشته است: هسه بیبر و لیوی ۲۰۰۶b؛ سندولوسکی، ولیس، و نفل ۲۰۰۹.

در جدول ۲ نیز مقایسه‌ای میان این دو فصل انجام شده و شماره فصل‌هایی که از کتاب بیبر عیناً در کتاب روش آمیخته وجود دارد، درمقابل آن‌ها نوشته شده است.

جدول ۲. مقایسه فصل اول کتاب روش تحقیق آمیخته با فصل اول کتاب روش تحقیق هسی بیبر (منبع: نگارنده)

Introduction to Mixed Methods Research	فصل اول: معرفی روش آمیخته
What Are Mixed Methods?	مقدمه‌ای بر پژوهش آمیخته
Why Use Mixed Methods? (6)	اهداف و چهارچوب استفاده عملی از کتاب
Objectives of This Book (2)	روش‌های پژوهش آمیخته چه هستند؟
A Comprehensive Perspective on Mixed Methods (9)	تعاریف و اصطلاحات
A Comprehensive Approach to Mixed Methods (10)	اهمیت روش‌های تحقیق آمیخته (گذشته و حال)
The Need for Qualitative Approaches to Mixed Methods Research	دلایل استفاده از روش‌های آمیخته
Qualitative Mixed Methods Approaches: Some Examples	تاریخچه مختصری از روش‌های آمیخته
The Perils of Mixed Methods	مؤلفه‌های علاقه‌مندی به روش‌های آمیخته
The Practice of Mixed Methods: Behind the Scenes	چشم‌انداز گسترده به شیوه‌های آمیخته
with Stephen Borgatti	رویکرد جامع به روش‌های آمیخته
The Promise of Mixed Methods Research	مثال عملی
Glossary	تمرین
Discussion Questions	
Suggested Websites	

نتیجه‌ای که نگارنده با استفاده از یافته‌های خود و ناقدان یادشده به آن باور دارد این است که کتاب مذکور نه عین کتاب کرسول است و نه عین کتاب هسی بیبر و نه عین کتابی دیگر، بلکه گردآوری و ترجمه است و از این رو عنوان «تألیف» ندارد و مناسب‌ترین عنوان برای آن «ترجمه - تألیف» است. علاوه بر این، نویسندگان محترم، ناشر یا هردو در صفحه دوم در ذیل فیفا در کادری که در آن خواننده را به رعایت حقوق اثر و عدم تکثیر کتاب توصیه کرده است، نوشته‌اند:

مخاطب عزیز، خواننده گرامی، این کتاب حاصل دسترنج چندین ساله مترجم و ناشر است. تکثیر آن ...

این عبارت آن‌ها دلالت بر این دارد که نویسندگان محترم نیز، که عبارت یادشده را نوشته یا دست‌کم آن را تأیید کرده و به آن رضایت داده‌اند، معترف‌اند کتابشان ترجمه است نه ابداع.

۳.۴ فقدان مقدمه در کل کتاب و آغاز فصل‌ها

وجود مقدمه از ضروریات یک تألیف درسی است و خواننده را برای فراگیری مطالب جزئی آماده می‌کند (لیونکا ۱۳۸۶: ۱۷۶). علاوه بر زمینه‌سازی نکات بسیار مهمی چون معرفی موضوع کتاب، دیدگاه‌ها و باورهای مؤلف، هدف‌های کلی کتاب، بررسی تاریخچه مختصر موضوع، معرفی کتاب از نظر سازمان‌دهی محتوا، ارتباط کتاب درسی با سایر منابع و مانند آن در مقدمه مطرح می‌شوند تا هم انگیزه دانشجوی را افزایش دهند و هم یادگیری او را تسهیل کنند (شکوهی و دیگران ۱۳۸۷: ۴۲۰). هم‌چنین، وجود مقدمه در هر فصل برای معرفی آن فصل نیز ضرورتی دیگر است (همان: ۴۲۱؛ رضی ۱۳۸۷: ۲۰۰).

این کتاب دارای مقدمه نیست و فصل‌ها نیز مقدمه ندارند. البته پیش‌گفتار دارد، اما وجود چند پیش‌گفتار نیز به‌جای مقدمه نخواهند نشست، زیرا پیش‌گفتار مشتمل بر فلسفه و چرایی خلق اثر یا توضیح تألیف و بیان موانع و مشکلات تحقیق است (شکوهی و دیگران ۱۳۸۷: ۴۲۰).

۴.۴ فقدان خلاصه فصل‌ها

نگارش خلاصه‌هایی مقدماتی از متن در ابتدای کتاب می‌تواند کمک مهمی به فهم مطلب کند. خلاصه‌های پایانی نیز که مرور نکات اصلی است دارای همین اثر است (آرمند ۱۳۸۴: ۴۷-۴۸). متأسفانه این کتاب از خلاصه‌های آغازین و پایانی به‌منزله چکیده و نتیجه‌گیری خالی است.

۵.۴ طولانی‌بودن بندها

بندگذاری‌ها گاهی طولانی است؛ مثلاً در صفحات ۱۹، ۲۰، ۵۰، ۵۱ و ۱۶۰ یک بند یک صفحه را دربرگرفته و در صفحات ۱۹۱ تا ۱۹۳ یک بند به‌تنهایی دو صفحه را اشغال کرده است.

۶.۴ اشتباه‌های املائی، انشایی، و ویرایشی

املا و انشای این کتاب اشکال غیرعادی ندارد. از این رو، وضعیت کتاب از این جهت خوب ارزیابی می‌شود و برای رفع این نقیصه مختصر نیز اشتباه‌های املائی، که نگارنده با مرور دقیق کل کتاب یافته است، در فهرست زیر ارائه شده‌اند:

الف) خوانندگان عزیز بتوانند در پایان، نقشه عملیاتی یا اجرایی پژوهش خود را به سهولت انتخاب نمایند. در این فصل، طرح‌هایی انتخاب و ارائه شده که بیشترین کاربرد را در پژوهش‌های آمیخته دارند (دلاور و کوشکی ۱۳۹۸: هشت - پیش‌گفتار) که باید جدانویسی شوند.

ب) در فصل ششم، تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته است (دلاور و کوشکی ۱۳۹۸: هشت - پیش‌گفتار) که باید جدانویسی شود.

ج) امروزه تقاضای روبه‌رشدی برای شیوه‌های وجود دارد که ... (دلاور و کوشکی ۱۳۹۸: ۲) که «شیوه‌های» باید به «شیوه‌هایی» تبدیل شود.

د) در حوزه مطالعات خودتان یک تحقیق را که با استفاده از روش‌های تحقیق آمیخته انجام شده است را انتخاب کرده و ... (دلاور و کوشکی ۱۳۹۸: ۳۴) که یکی از «را»ها زائد است.

ه) «در ستون آخر از سمت راست روش‌های و فنون خاص جمع‌آوری داده‌ها مشاهده می‌شود (همان: ۴۱).

و) مزایا و نقاط قوت طرح مثلث‌سازی به شرح زیر می‌باشد: ... این طرح نوعی احساس ایجاد می‌کند (همان: ۱۲۴)؛ تعبیر «نوعی احساس» مبهم است.

«این تفاوت‌ها برخلاف هم و یا متضادها هم نمی‌باشند (همان: ۴۵) جمله مبهم است.

ز) عنوان نمودار ۳-۴: ب) طرح تبیینی (همان: ۱۳۳) که به «ن» اضافه است.

۷.۴ اشکال‌های جدول‌ها و نمودارها (بعد صوری)

به‌تصویر درآوردن اطلاعات کلامی (visualization) به‌منزله هنر استفاده از گونه‌های استعاره‌ای اشکال و نمودارها در متون درسی توصیه شده است (لیونکا ۱۳۸۶: ۲۸۳-۲۸۴). انواعی از نمایش‌های بصری از طریق جدول، نمودار، چارت، و ... می‌توانند ایده‌های ناملموس و انتزاعی را ملموس یا قابل دید کنند و برای افزایش امکان معنادار سازی متن

بسیار مفید باشند (نوروززاده و آقازاده ۱۳۸۷: ۹۴) و یادگیری را بهتر کنند (ریاضی ۱۳۸۷: ۲۱۲). همان‌طور که در محاسن کتاب گفته شد، در این کتاب از نمودارهای ترسیمی و تقسیمی در حد مطلوبی استفاده شده است، اما ترسیم‌های مؤلفان در بُعد صوری یک اشکال مهم دارد؛ این که جدول و شکل اقتباسی باید منبع مشخص داشته باشد؛ به‌خصوص وقتی اثر تألیف ترجمه‌ای است و همه مطالب آن اقتباس از آثار دیگران است. البته اگر مؤلفان خود نیز در تولید نقش دارند، از عنوان «منبع: نگارنده» برای تعیین ارجاع استفاده می‌شود. متأسفانه در این کتاب، که تألیف ترجمه‌ای است نه ابداع نویسندگان، تنها در دو مورد از نمودارها و جدول‌ها یعنی جدول صفحات ۱۰۲ و ۱۶۴ ارجاع وجود دارد.

۸.۴ اشکال در فهرست‌نویسی

فهرست جداول و نمودارها تهیه نشده است. هم‌چنین این کتاب نمایه ندارد.

۵. یافته‌های تحقیق در نقد ساختاری

یکی از عوامل مؤثر در یادگیری ساختار متن کتاب است، زیرا متونی که بهتر سازمان‌دهی شوند، فهم، درک، یادسپاری، و به‌کارگیری اطلاعات خود را افزایش می‌دهند (آرامبراستر ۱۳۷۲: ۸۲؛ هم‌چنین برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به آرمند ۱۳۸۴: ۴۹). اما ساختارمندی چیست؟ در عرف علمی زمان ما، سازمان عبارت است از مجموعه‌ای که اجزای آن ارتباط متقابل دارند و هیچ جزئی جدا از کل مجموعه نمی‌تواند کار خود را انجام دهد (ملکی ۱۳۸۰: ۹۲). بر این اساس، ساختار نیز عبارت است از چگونگی اتصال موضوعات براساس الگوهای سازمان‌دهی منطقی (آرامبراستر ۱۳۷۲: ۸۲). فصل‌بندی منطقی کتاب را یکی از یک‌صد ویژگی کتاب دانشگاهی کارآمد و اثربخش دانسته‌اند (منصوریان ۱۳۹۲: ۱۳) و اصولاً ساختار منطقی کتاب علاوه‌بر یادگیری بهینه، از آن‌جا که دیدگاه منطقی را پرورش می‌دهد، سبب می‌شود فراگیران بتوانند مطالب خود را نیز به‌روش منطقی ارائه کنند (شیخ‌زاده ۱۳۸۷: ۱۲۵).

یکی از اصول مهم در ایجاد انسجام ساختاری متن، تناسب عنوان با محتواست (ملکی ۱۳۸۴: ۱۴). پژوهش‌ها نشان داده‌اند عنوان‌ها در انسجام‌دادن به متن و درک خواننده از متن و روشن‌شدن نکات مبهم تأثیر فراوان دارند (همان: ۱۸؛ آرمند ۱۳۸۴: ۴۷). هاینس می‌گوید: نکته مهم در سازمان‌دهی محتوای کتاب درسی آن است که وقتی مشغول نگارش

کتاب درسی هستید، نگاه خود را روی یک تصویر بزرگ نگه‌دارید. به این معنا که فکر کنید محتوای هر صفحه را چگونه به محتوای فصل ارتباط دهید؟ همین‌طور محتوای فصل نسبت به کل کتاب چه جایگاهی دارد؟ (ملکی ۱۳۸۴: ۱۳). روشن است فقدان تداخل اجزای کتاب نیز از دیگر اصول مهم تدوین منطقی اثر و در این راستاست.

با الهام از مبانی نظری ارائه‌شده در مباحث مذکور، موارد مشتمل بر اشکالات منطقی (نقد ساختاری)، که چهار مورد اول در ذیل اشکال «عدم تناسب عنوان با محتوا» و دو مورد آخر نیز در ذیل «تداخل منطقی عناوین» جای دارند، به شرح ذیل ارائه می‌شوند:

۱. عنوان فصل هفتم چنین است: «تفسیر و نگارش (مثال عملی برای نتیجه‌گیری و تفسیر)». نویسندگان در ذیل این فصل، بحثی مبسوط دارند و می‌نویسند: «گام‌های زیر به‌صورت پروتکلی از آن‌چه در فصول گذشته بحث شد آمده است» (دلاور و کوشکی ۱۳۹۸: ۱۹۷)، اما پرسش این‌جاست که طرح مجدد و مرور کل مسائل کتاب از ابتدای تعیین الگوی آمیختگی و مسئله تحقیق تا آخر چه ربطی دارد به عنوان این فصل که درباره تفسیر و نگارش در یک الگوی عملی است؟

۲. نویسندگان نوشته‌اند:

تعریف جای‌گزین وال (۱۹۹۶) از اعتبار آن است که اعتبار از طریق بررسی منابع غیراعتباری تعیین می‌شود. هر میزان که قضیه‌ای از تلاش تکذیبی جان سالم به‌در ببرد، قابلیت اعتماد دانش معتبرتر می‌شود. در این هنگام اعتبار به شکل نگاه به یافته‌های شیوه آمیخته و سؤال درمورد آن‌هاست: چه چیزی در آن‌جا نیست؟ چه چهارچوب یا تجربه ذهنی یافته‌ها را تکذیب می‌کند؟ (همان: ۱۸۹).

اما عنوان این مبحث پایایی است، نه اعتبار. اعتبار در ادامه در مبحثی با عنوان مستقل مطرح می‌شود. هم‌چنین این دو سه بند بسیار مندمج است و محتوای آن نیز تنها شامل پایایی در تحقیقات کمی و کیفی است، نه آمیخته.

۳. از صفحه دوازده تا شانزده با تیترا «اصطلاحات» به بیان مزایای روش‌های آمیخته پرداخته‌اند و هرگز هم از اصطلاحی سخن نگفته‌اند.

۴. در صفحه نود مبحثی با عنوان «فرایند طرح سؤال در پژوهش‌های آمیخته» مطرح کرده‌اند، اما در ذیل این عنوان هرگز بحث فرایندی وجود ندارد، بلکه به پنج عامل، که بر طرح سؤال اثر دارند و الهام‌بخش سؤال تحقیق‌اند، و به بیان‌دیگر به پنج منبع سؤال می‌پردازند.

نقد کتاب روش تحقیق آمیخته (مصطفی همدانی) ۴۳۷

۵. در ذیل فصل سوم در صفحه ۷۳ مبحثی با عنوان «تدوین طرح پژوهشی آمیخته» ارائه کرده‌اند که در آن وارد اجزای طرح می‌شوند و حال آن‌که فصل چهارم را نیز مستقلاً به این عنوان اختصاص داده‌اند.

۶. در ذیل فصل پنجم در صفحه ۱۷۲ مبحثی با عنوان «راه‌نمای عملی نگارش در ترکیب یا غیرترکیب» گشوده‌اند و حال آن‌که فصل هفتم کتاب به شکل مستقل به این موضوع اختصاص یافته است.

۶. یافته‌های تحقیق در نقد محتوایی

اشکالات محتوایی این کتاب به شرح زیر است:

۱.۶ ترجمه نادرست عنوان کتاب

این حوزه نوین در روش تحقیق در زبان انگلیسی عبارت است از «mixed methods research». در عرف کتاب‌های ترجمه‌شده در این حوزه، سه اصطلاح برای واژه «mixed» قرار داده شده است که با ذکر نمونه در جدول ۳ معرفی شده‌اند. در این میان، تعبیر «آمیخته» فارسی سره است و آن دو عربی‌اند که مؤلفان کتاب مورد نقد پژوهش فرارو نیز هوشمندانه تعبیر «آمیخته» را برگزیده‌اند.

جدول ۳. ترجمه‌های سه‌گانه برای عنوان mixed در فارسی (منبع: نگارنده)

ردیف	عنوان	نمونه کتاب
۱	آمیخته	بازکاوی روش تحقیق آمیخته، تألیف سیدمصطفی رضوی و دیگران، نشر دانشگاه تهران.
۲	ترکیبی	روش‌های تحقیق ترکیبی (جان کرسول، ویکی پلانو کلارک)، ترجمه علیرضا کیامنش و جاویدسرایبی، نشر آیتز.
۳	تلفیقی	روش‌های تحقیق تلفیقی (جان کرسول، ویکی پلانو کلارک)، ترجمه عباس زارعی و ربابه زمانی، نشر سخن‌وران.

اما نویسندگان در ترجمه خود دو اشتباه مرتکب شده‌اند:

۱. لفظ «methods» که در متون مادر و مرجع برای این حوزه روشی به کار می‌رود، به همین شکل یعنی جمع است (برای اطلاع بیشتر، بنگرید به Creswell and Plano Clark 2010; Hesse-Biber 2010; Tashakkori and Teddlie 2010) و به همین جهت باید به «روش‌ها» ترجمه شود، نه روش. جمع بودن آن نیز به‌درستی و هدف‌مند است، زیرا این حوزه به یک دسته الگوهای متعدد در ترکیب روش‌های کمی و کیفی اشاره دارد.

۲. در همان منابع یادشده، عنوان این حوزه روشی «mixed methods» است؛ یعنی آمیختگی صفت روش‌هاست نه تحقیق، اما تعبیراتی چون «روش‌های تحقیق ترکیبی»، «روش‌های تحقیق آمیخته» یا «روش‌های تحقیق تلفیقی»، موهم توصیف تحقیق به آمیختگی و ترکیب و تلفیق است و پیش‌نهاد می‌شود از تعبیر «روش‌های آمیخته در تحقیق» استفاده شود.

۲.۶ فقدان تشریح مفاهیم اصلی کتاب

لازم است در مقدمه کتاب چهار مفهوم اساسی، که از تحلیل عنوان کتاب استخراج می‌شوند، تشریح شوند: روش، روش تحقیق، آمیختگی، و روش تحقیق آمیخته. برای درک بهتر روش‌های آمیخته لازم است دو مفهوم پیش‌نیاز یعنی روش کمی و کیفی نیز شرح شوند. در بحث تشریح مفاهیم لازم است برخی مفاهیم هم‌سو یا رقیب نیز شرح شوند که از جمله مفاهیم هم‌سو در این کتاب اصطلاح «چندروشی» است. روش‌های آمیخته با «چندروشی» تفاوتی اساسی دارند که هسی بیبر به شکل کوتاه در چند سطر در اوایل کتاب خود به این موضوع پرداخته است: اصطلاح «multimethods» یا همان چندروشی عبارت از تلفیق کردن دو یا چند روش کیفی (نظیر مصاحبه عمیق و مشاهده مشارکتی) یا دو یا چند روش کمی (مانند پیمایش و آزمایش) در یک تحقیق است (Hesse-Biber 2010: 3). بنابراین، در چندروشی تحقیق در همان حوزه کمی یا کیفی انجام می‌شود و تلفیق نیز درون‌حوزه‌ای است. البته ایشان مبحثی با عنوان «تعاریف و اصطلاحات» در فصل یکم دارند (دلاور و کوشکی ۱۳۹۸: ۱۲) و در پیش‌گفتار کتاب روش و تحقیق را اشاره‌وار تعریف و در فصل اول مجدداً پژوهش، علم، و روش‌های علمی را تعریف کرده‌اند، اما اولاً در مبحث «تعاریف و اصطلاحات» از صفحه دوازده تا شانزده فقط مزایای روش ترکیبی را شرح دادند و سخنی از اصطلاحات ندارند. ثانیاً، گم‌بودن آن اشارات و گستردگی و درشت‌بودن مباحث مربوط به رد و پذیرش اقوال در فصل اول خواننده را از درک این مفاهیم محروم می‌کند. هم‌چنین، طبق مطالب مطرح‌شده در نقد صوری در خصوص اهمیت و مندرجات مقدمه کتاب در پژوهش فرارو جایگاه این مباحث در پیش‌گفتار یا فصل اول کتاب نیست، بلکه در مقدمه است.

۳.۶ پیش‌نهاد استفاده از آموزه‌های فلسفی اسلامی در تبیین حقیقت «آمیختگی»

همان‌طور که در بحث قبل گفته شد، لازم است مفاهیم اصلی کتاب در مقدمه شرح شوند. یکی از این مفاهیم «آمیختگی» است. فلسفه اسلامی تحلیلی زیبا از آمیختگی

(ترکیب) و گونه‌های مختلف آن ارائه کرده است که می‌تواند در جهان علم امروز از جمله تحلیل مفهوم آمیختگی در این کتاب کارا و راه‌گشا باشد. این مباحث نوعی تحلیل هستی‌شناسانه با رویکرد عقلانی است که پسوند اسلامی آن نباید انگاره ایدئولوژیکی را به ذهن تداعی کند، بلکه این نگرش به منزله دستاوردی بشری، علمی، و عقلانی می‌تواند در تحلیل و تولید مفاهیم لازم در مباحث روش‌شناختی از جمله در روش‌های آمیخته کمک شایانی کند.

توضیح این‌که ترکیب در فلسفه اسلامی دو قسم اصلی دارد: ترکیب حقیقی و اعتباری. ترکیب حقیقی آن است که میان اجزای مرکب یک جهت وحدت حقیقی وجود دارد. اجزای مرکب حقیقی تا در حقیقت به یکدیگر نیازمند و نسبت به یکدیگر دارای فقر و وابستگی واقعی نباشند، ارتباط و اتحاد حقیقی نمی‌یابند و حقیقت واحدی را تشکیل نمی‌دهند. ترکیب حقیقی را ترکیب اتحادی و ترکیب اعتباری را ترکیب انضمامی نیز می‌نامند.

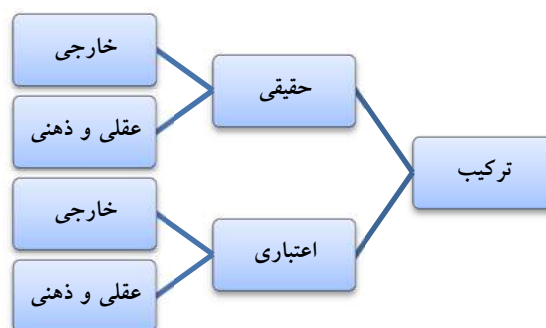
ترکیب حقیقی نیز به خارجی یا عقلی (ذهنی) تقسیم می‌شود. ترکیب حقیقی خارجی آن است که اجزای ترکیب، افزون‌بر جهت وحدت حقیقی و خارجی، دارای تمایز و کثرت خارجی‌اند. برای مثال، ترکیب جسم از ماده و صورت فلسفی ترکیب حقیقی خارجی است، زیرا اجزای آن افزون‌بر آن‌که در عالم واقع دارای جهت وحدتی به نام جسم‌اند، در همان واقعیت از یکدیگر متمایزند و عقل می‌تواند در همان متن واقع میان ماده و صورت تمایز و کثرت ببیند.

ترکیب حقیقی ذهنی آن است که اجزای ترکیب، در خارج تنها از وحدت حقیقی برخوردارند، اما تمایز و کثرت خارجی نیستند، بلکه این ذهن و عقل انسان است که با نیروی تحلیل خود در آن شیء واحد اجزایی می‌بیند. به این معنا که ذهن اجزایی را که در مرکب به صورت غیر متمایز موجود است، از یکدیگر منحا و متمایز می‌کند. برای مثال، ترکیب یک خط از پاره‌خط‌های مختلف ترکیب حقیقی عقلی است، زیرا خط در واقع بیرونی امتداد و اتصال حقیقی دارد. از این رو، وحدتی حقیقی دارد و اجزای آن در واقع وجودهای جداگانه‌ای ندارند و همه در ضمن همان وجود متصل واحد (خط) موجودند.

در ترکیب اعتباری میان اجزای مرکب غیر از نمود و شکل حاصل از هم‌جواری آن‌ها، یک جهت وحدت حقیقی وجود ندارد و در واقع ذهن است که اتحاد و وحدت را برای آن اجزا لحاظ کرده است. مثل ترکیب خانه از مصالح ساختمانی که اتحاد اجزای آن چیزی بیش از شکل ناشی از کنارهم‌بودن اجزا نیست. ترکیب اعتباری نیز یا خارجی است یا غیرخارجی و ترکیب غیرخارجی هم ذهنی و عقلی است. ترکیب اعتباری خارجی آن است

که اجزای ترکیب در عالم واقع از یکدیگر متمایزند و هریک از اجزا وجودی غیر از وجود دیگری دارد. ترکیب اعتباری عقلی یا ذهنی آن است که اجزای ترکیب به وحدتی واقعی در خارج نمی‌رسند، به این معنا که ذهن اجزایی را که در مرکب به صورت غیر متمایز موجود است، از یکدیگر منحا‌ز و متمایز می‌کند. ملاک کثرت و تمایز ذهنی و عقلی عدم تعددِ تحقق اجزا در خارج است (طوسی ۱۳۷۵: ج ۱، ۹۷؛ صدرالمألهین ۱۹۸۱م: ج ۵، ۲۸۳؛ سبزواری ۱۳۷۹: ۳۶۸؛ طباطبایی ۱۳۷۸: ۸۵-۸۶).

نموداری از انواع ترکیب (آمیختگی) در فلسفه اسلامی در نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱. انواع ترکیب (آمیخت) در فلسفه اسلامی (منبع: نگارنده)

با کمک این مباحث می‌توان تحلیلی از حقیقت آمیختگی در روش‌های آمیخته و نوع آن و همین‌طور امکان و روش یکپارچه‌سازی نتایج و مباحثی از این دست در روش‌های آمیخته بهره برد و متأسفانه در پژوهش فرارو، که اولویت آن نقد کتاب است، مجالی برای بحث از این مقال نیست.

۴.۶ فقدان تبیین منسجم و تبیین دقیق مبنای پارادایمی روش‌های آمیخته

یکی از مباحث بسیار مهم در هرکدام از گونه‌های روش تحقیق تعیین دقیق موضع پارادایمی آن است. برای مثال، روش‌های کمی معمولاً متعلق به پارادایم اثبات‌گرایی و روش‌های کیفی معمولاً متعلق به پارادایم تفسیری و هرمنوتیکی‌اند. پرسش این‌جاست که در روش‌های آمیخته چگونه این پارادایم‌ها، که با هم ناسازگارند، آمیخته شده‌اند؟ اصولاً تدلی و تشکری از رایج‌ترین نقدها پیرامون روش‌های آمیخته را مبتنی بر همین انگاره ناسازگاری می‌دانند که از آن یاد شد. این اشکال بر این مبنا استوار است که میان پارادایم‌ها تفاوت‌های هستی‌شناختی و

معرفت‌شناختی وجود دارد و هریک از روش‌شناسی‌های کمی و کیفی آن‌ها را به فراخور حال خود با سنت خود مرتبط کرده‌اند و درآمیختن این روش‌ها با حفظ آن مبانی پارادایمی چگونه ممکن است؟ در پاسخ این پرسش، برخی مانند گرین، هال، و مورگان اصولاً این کارکرد از پارادایم‌ها را انکار کرده‌اند. برخی نیز مانند پتن به‌صراحت اعلام کرده است در موقعیت‌های واقعی می‌توان روش‌ها را از موضع معرفت‌شناسی آن‌ها جدا انگاشت. برخی نیز مانند کرسول، پلانوکلازک، گاتمن، و هنسن بر این باور شدند که برای هریک از طرح‌های روش‌های آمیخته پارادایمی خاص مناسب است. ایشان پسااثبات‌گرایی را برای طرح «متوالی و با بنیاد کمی» و تفسیرگرایی را برای طرح «متوالی و با بنیاد کیفی» پیش‌نهاد کرده‌اند. برخی نیز پارادایم‌های جای‌گزین چون عمل‌گرایی، رئالیسم انتقادی، و پارادایم تحول‌گرا را به‌منزله جای‌گزین معرفی کرده‌اند (تشکری و تدلی ۱۳۹۷: ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۷۴).

دکتر دلاور و کوشکی بحثی از مباحث پارادایمی روش‌های آمیخته طرح و در آن به‌صراحت از پراگماتیسم به‌منزله مبانی پارادایمی این روش‌ها طرف‌داری کرده‌اند (دلاور و کوشکی ۱۳۹۸: ۴۱، ۴۴)، اما ایشان اولاً جایگاه کلی مباحث پارادایمی و نقش مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی یک پارادایم در روش را بسط ندادند و ثانیاً چالش موجود در روش‌های آمیخته را، که هر پارادایمی نمی‌تواند شارح آن‌ها باشد، تبیین نکرده و به مواضع نظری مختلف در این بحث اشاره‌ای نداشتند. ثالثاً، شایسته بود پس از طی این مراحل تحلیلی کافی از پراگماتیسم، ظرفیت پارادایمی آن، و حضور مبانی آن در روش‌های آمیخته را ارائه کنند، زیرا روش‌های ترکیبی بیش‌تر مبتنی بر تمایل حل مسئله‌اند، اما پراگماتیسم در لایه هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، و فلسفی خود دلالت‌هایی دارد که بسیاری از آن‌ها در روش‌های ترکیبی به‌کار گرفته نمی‌شود.

۵.۶ ضرورت توضیح اصطلاحات مبهم

در این کتاب برخی اصطلاحات به توضیحاتی در پاورقی نیاز دارند. این اصطلاحات به شرح زیر است:

۱. «الگوهای جاری تحقیق به شیوه‌های آمیخته نمونه‌ای از رویکرد «ارابه پیش از اسب» (cart before the horse) است» (دلاور و کوشکی ۱۳۹۸: ۲۷، ۱۷۹). این اصطلاح که شاید ترجمه بهتر آن «جلوافتادن ارابه از اسب» باشد، تقریباً به‌معنای همان «کاسه داغ‌تر از آش» و یک ضرب‌المثل آمریکایی است که به‌معنای اتفاق‌افتادن اموری غیرعادی و خارج از انتظار در یک عرف یا فرهنگ است (Whiting 1977: 58).

۲. نویسندگان محترم تعبیر «دانش‌شناسی» را به تکرار برای اصطلاح ایپستمولوژی (epistemology) که معادل گوش‌آشنای آن همان «معرفت‌شناسی» است به کار برده‌اند (دلاور و کوشکی ۱۳۹۸: مقدمه، هفت؛ همان: ۲۸، ۲۶۰)، اما این معادل هم ناآشناست و هم نارسا، زیرا دانش‌شناسی امروزه برای علم اطلاع‌شناسی و کتاب‌داری به کار می‌رود و تألیفات متعدد در این حوزه با همین عنوان نیز نوشته شده‌اند:

- مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی نوشته احمد شعبانی و زهره میرحسینی، انتشارات سمت، پاییز ۱۳۹۴.

- شناختی از دانش‌شناسی (علوم کتاب‌داری و دانش‌شناسی)، نوشته دکتر هوشنگ ابرامی، نشر کتاب‌دار، پاییز ۱۳۸۶.

- بازشناختی از دانش‌شناسی: بازشناختی از علم اطلاعات و دانش‌شناسی، تألیف امیر ریسمان‌باف و رحمت‌الله فتاحی، نشر کتاب‌دار وابسته به شرکت خدمات اطلاع‌رسانی کتاب‌دار فرزانه، ۱۳۹۶.

۳. مؤلفان عنوانی به این شکل در بخشی از کتاب ایجاد کرده‌اند: «عامل انعکاس‌پذیری در فرایند طرح سؤال» (دلاور و کوشکی ۱۳۹۸: ۹۲). تعبیر «انعکاس‌پذیری» اصطلاحی مبهم است که لازم است در پاورقی توضیح داده شود. عامل انعکاس‌پذیری یا همان «reflexivity»، که برخی نیز آن را به خاصیت بازتابندگی یا بازاندیشانه ترجمه کرده‌اند، عبارت است از این که محقق در فرایند جمع‌آوری اطلاعات از نگرشی انتقادی به داده‌هایی که جمع‌آوری می‌کند برخوردار است. این نگرش به ارتقای حساسیت محقق در تشخیص تأثیر عواملی از قبیل مکان مطالعه، حساسیت موضوع، روابط قدرت در میدان، و ماهیت کنش متقابل میان محقق و مورد مطالعه، که در نحوه تفسیر و ارائه نتایج تأثیر می‌گذارند، کمک جدی می‌کند (ایمان ۱۳۹۱: ۵۶).

۴. مؤلفان تکنیک‌های CAQDAS، در بخش تحلیل، رایانه‌ای را «برای انتقال داده‌ها: کمی‌سازی و کیفی‌سازی» معرفی کرده‌اند (دلاور و کوشکی ۱۳۹۸: ۱۸۲)، اما تعبیر «تغییر» مناسب نیست و بهتر است از تعبیر «تبدیل» استفاده شود.

۶.۶ فقدان مرحله داده‌آمایی در فرایند اجرای تحقیق

پردازش داده‌ها (data processing) که به آن داده‌پردازی یا داده‌آمایی نیز گفته می‌شود، بین دو مرحله گردآوری داده‌ها (data collection) و تحلیل داده‌ها (data analysis) جای می‌گیرد.

هدف اصلی از این آمایش و پردازش آماده کردن داده‌ها و پالایش آن‌ها برای انجام تحلیل است. در این جا تلاش می‌شود تا داده‌ها بازبینی و کنترل شوند. در مرحله گردآوری داده‌ها ممکن است داده‌های نامناسب نیز شکار شوند که شناسایی و حذف این نوع داده‌ها در این مرحله انجام می‌شود. برخی منابع داده‌آمایی را بخشی از فرایند تحلیل می‌دانند و در قدم اول از مرحله تحلیل داده‌ها به تبیین داده‌آمایی پرداخته‌اند (کیوی و کامپنهود ۱۳۸۹: ۲۲۸-۲۳۴؛ واس ۱۳۸۹: ۲۳۱-۲۴۵). در منابع اصیل و معتبر معمولاً به این تفکیک توجه کافی مبذول شده است (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به ساعی ۱۳۸۷: ۱۰۸؛ ساروخانی ۱۳۸۸: ۲، ۴۰۳؛ بپی ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۳۴) و حق نیز تفکیک است به‌خصوص در متون آموزشی، زیرا هر اندازه مراحل تحقیق منضبط‌تر و دقیق‌تر ارائه شود، تحقیق و فرایند روش، که در ذات آن نظم نهفته و هدف آن هم نظم‌دادن به فرایند تولید علم است، دقیق‌تر خواهد بود. متأسفانه در بسیاری از منابع به این تفکیک توجه نشده است و آثار دکتر دلاور و همکارانش نیز جزء این دسته‌اند. دکتر دلاور نه در کتاب مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی (دلاور ۱۳۹۲: ۱۰۳، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۵۳، ۲۵۵) و نه در کتاب روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی (دلاور ۱۳۸۶: ۲۹۱) به این تفکیک توجه نکرده و تنها از دو مرحله یعنی جمع‌آوری داده‌ها و تفسیر آن‌ها سخن گفته است. وی و همکارانش در کتاب روش تحقیق آمیخته نیز از همین رویه پیروی کرده‌اند (دلاور و کوشکی ۱۳۹۸: ۱۴۹، ۱۷۹).

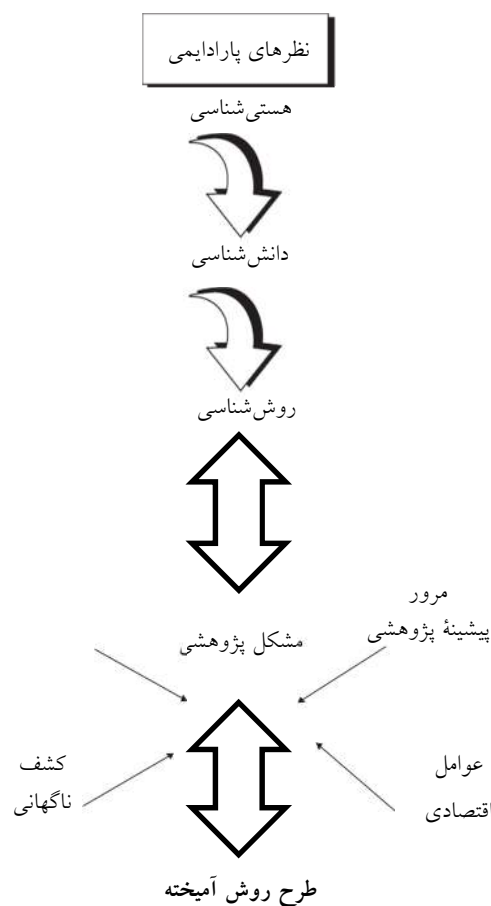
۷.۶ نادرستی محتوا

نویسندگان نوشته‌اند: «منظورهای فمینیستی (طرف‌داران جنبش زنان) دنیای اجتماعی، انواعی از دیدگاه‌ها و مظاهر مختلف را دربر می‌گیرند، اما همه آن‌ها بر شکل‌گیری دنیای اجتماعی زنان و دیگر افراد تحت‌ستم تأکید دارند» (همان: ۶۲) و نوشته‌اند: «پژوهش فمینیستی حامی اهمیت به مطالعه تفاوت‌ها با توجه به جنسیت، نژاد، طبقه، و غیره هستند» (همان: ۶۴) و «پژوهش فمینیستی بر اهمیت عدالت اجتماعی، تحولات اجتماعی و نیز تغییرات اجتماعی از سوی زنان و دیگر قشرهای تحت‌ستم تأکید دارد» (همان: ۶۹)، اما این تفسیرها از رویکرد فمینیستی درست نیست، زیرا این رویکرد هرگز به دیگر طبقات و نژادها یا انواع افراد تحت‌ستم نمی‌پردازد، بلکه تنها و تنها بر زنان متمرکز است، منتهی بر زنان از همه طبقات و نژادها و به‌خصوص زنان تحت‌ستم. این رویکرد، فرودستی زنان و به‌شکل کلی هر ستم به زنان را بررسی می‌کند، نه هر ستم‌دیده را که مؤلفان انگاشته‌اند.

البته آنچه گفته شد نیز بخشی از رویکرد فمینیستی و تنها درجهت نقد این کتاب ارائه شد و گرنه همان‌طور که نورمن بلیکی می‌گوید:

نظریه فمینیستی از سه جهت زن‌محور است: نقطه شروع تحقیقاتش تجارب زنان است، زنان را شناسنده اصلی فرایند تحقیق می‌داند، فعالیتش برای زنان و در پی ایجاد جهان بهتر برای زنان است و این امر را به‌نفع نوع انسان هم می‌داند (بلیکی ۱۳۹۳: ۲۰۲).

۸.۶ ترسیم نادرست نمودارها



نمودار ۲. رویکرد جامع به پژوهش‌های آمیخته (دلاور و کوشکی ۱۳۹۶: ۲۹)

همان‌طور که در محاسن کتاب گفته شد، این تألیف شکل‌ها و جدول‌های خوبی دارد، اما ترسیم‌های ایشان در بُعد صوری اشکال مهمی داشت که ذکر شد. اکنون به تحلیل اشکالات نمودارها در بُعد محتوایی پرداخته می‌شود؛ یعنی نقد دال‌های تصویری از نظر دلالت بر مدل‌های خود. در این زمینه سه مورد اشکال در کتاب وجود دارد:

۱. نویسندگان در صفحه ۲۹ نموداری ترسیم کرده‌اند که در نمودار ۲ در پژوهش فرارو ارائه شده است. در این نمودار، پیکان‌های چهارگانه‌ای که از چهار طرف به سوی پیکان دوسر دار موجود در زیر عنوان «مشکل» قرار گرفته‌اند درست نیستند و در واقع باید متوجه خود «مشکل» باشند، نه این شکل. صورت صحیح این نمودار که نگارنده این سطور آن را از کتاب هسی بیبر با عنوان «*Mixed Methods Research*» برگرفته است در نمودار ۳ ارائه شده است. زیرنویس نمودار هسی بیبر دقیقاً با همین عنوان که نویسندگان (آقای دلاور و خانم کوشکی) استفاده کردند منطبق است.

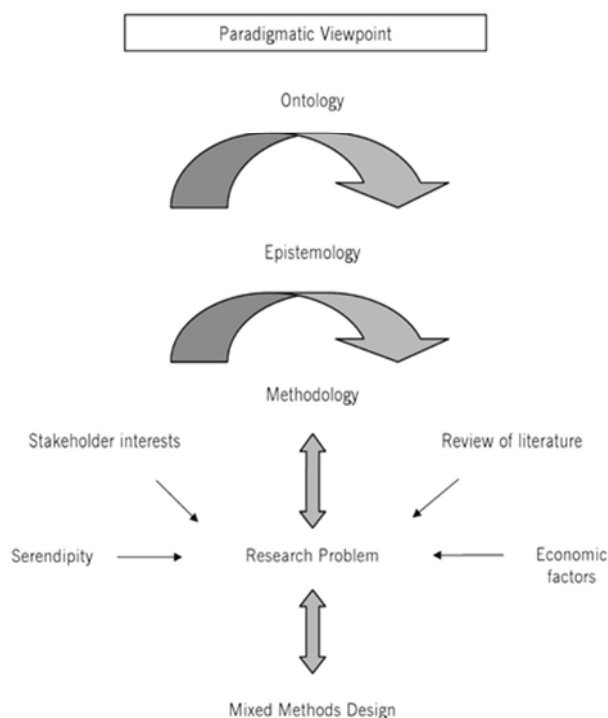


FIGURE 1.2. Comprehensive approach to mixed methods research.



نمودار ۴. تعامل بین روش‌ها و داده‌ها در فرایند تدوین سؤال‌های پژوهش (دلاور و کوشکی ۱۳۹۶: ۹۲)

۲. نویسندگان در صفحه ۹۲ نموداری ارائه کرده‌اند که در نمودار ۴ در پژوهش فرارو ارائه شده است. این نمودار اصلاً گویا نیست و جهت فلش‌ها هیچ معنایی ندارد و اجزای آن هم دویبدو به هم وصل شده‌اند و این دوتایی‌ها در مجموع از هم جدا هستند و از این رو هیچ‌گونه صورت فرایندی در نمودار دیده نمی‌شود. این نمودار در شکل صحیح آن از کتاب هسی بیبر با عنوان *Mixed Methods Research* برگرفته شده است که در آن ارتباط زنجیره‌ای این مراحل به‌خوبی مشخص و در نمودار ۵ ارائه شده است. زیرنویس نمودار هسی بیبر دقیقاً با همین عنوان که نویسندگان (آقای دلاور و خانم کوشکی) استفاده کردند انطباق دارد.

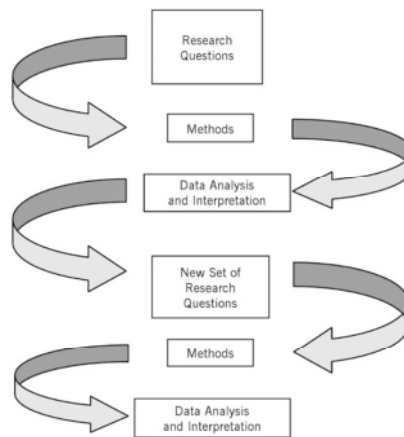


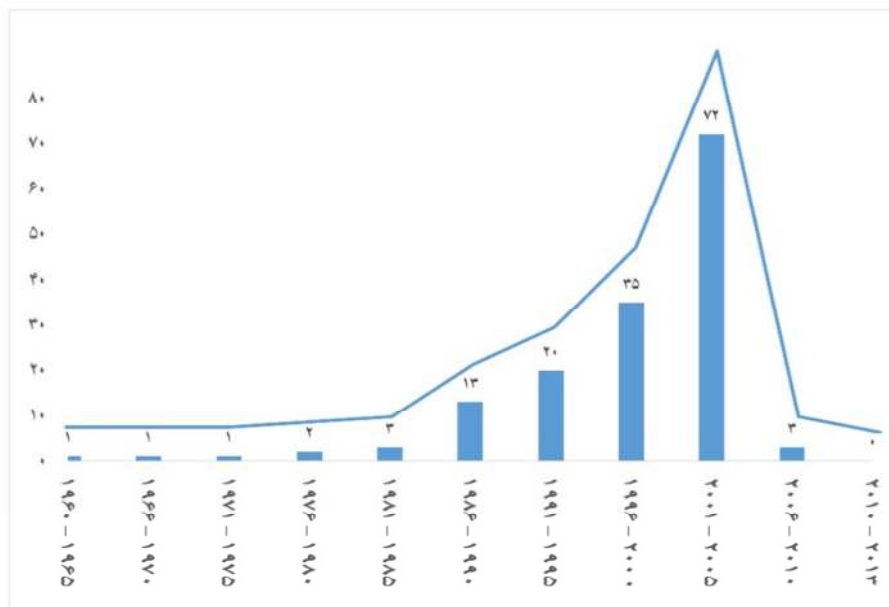
FIGURE 2.5. Interaction between methods and data in formulating research questions.

نمودار ۵. تعامل بین روش‌ها و داده‌ها در فرایند تدوین سؤال‌های پژوهش (Hesse-Biber 2010: 46)

۳. در صفحه ۱۲۳ که نمودارهایی از گونه‌های مثلث‌سازی ترسیم کرده‌اند، تنها در دو مورد فلش‌های لازم را ترسیم کرده‌اند و در بقیه نمودارها جهتی وجود ندارد تا نقطه شروع تحقیق و توالی مراحل را نشان دهد.

۹.۶ میزان استفاده از منابع معتبر و روزآمد

نویسندگان این تألیف به همه منابع مورداستناد خود به‌شخصه مراجعه کرده‌اند.^۱ تعداد و بسامد استفاده از منابع برحسب زمان در نمودار ۶ ارائه شده است. همان‌طورکه این نمودار نشان می‌دهد، از نظر زمان و روزآمدی هم بیش‌ترین تعداد این منابع، در بازه زمانی بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ است و باتوجه‌به چاپ اول این کتاب، که در سال ۱۳۹۲ بوده و این سال مصادف با سال ۲۰۱۳ میلادی است و از طرف دیگر، تعداد منابع در بازه زمانی دوم یعنی بین ۲۰۰۵ تا زمان چاپ یعنی ۲۰۱۳، که هشت سال است، رقمی ناچیز (تنها سه منبع) است، می‌توان گفت روزآمدی این تألیف در حدی خوب (نه خیلی خوب یا عالی) ارزیابی می‌شود و بهتر است نویسندگان کتاب را از این نظر به‌روزرسانی کنند.



نمودار ۶. بسامد منابع مؤلف برحسب بازه زمانی (منبع: نگارنده)

۷. نتیجه‌گیری

کتاب روش تحقیق آمیخته تألیف دکتر دلاور و دکتر کوشکی، در سه محور صوری، ساختاری، و محتوایی به بازبینی و اصلاحات زیادی نیاز دارد. مهم‌ترین نتایج تحقیق در این سه محور به شرح زیر است:

الف) اصلاحات صوری: این کتاب نیازمند یک مقدمه در آغاز و مقدمه‌ای در آغاز هر فصل است. هرکدام از فصل‌ها نیز به خلاصه فصل نیاز دارند. استفاده از نمودارها، که ظرفیت بالایی در تبیین بهتر مطالب دارند، در حد خوبی ارزیابی می‌شود، اما منابع این نمودارها باید مشخص شود. کتاب از نظر املائی، انشایی، و ویرایش سجاوندی در حد خوبی است و نگارنده نیز پاره‌ای از اصلاحات در این زمینه را ارائه کرده است. فهرست جداول و نمودارها در آغاز کتاب و نمایه‌های نام‌ها، کتاب‌ها، و... در پایان کتاب وجود ندارد که لازم است افزوده شوند.

ب) اصلاحات ساختاری: برخی از مطالب این کتاب هیچ ربطی به عنوان کتاب ندارند که نگارنده ریشه این ضعف را سنجاق کردن ترجمه‌ها به یک‌دیگر بدون یک پارچه‌سازی محتوای آن‌ها می‌داند.

ج) اصلاحات محتوایی: عنوان کتاب باید تصحیح شود. مفاهیم اصلی کتاب تبیین نشده‌اند و مفهوم آمیختگی نیز به تبیین بیش‌تر نیاز دارد. تثبیت مبنای پارادایمی روش‌های آمیخته، توضیح اصطلاحات مبهم، تصحیح برخی نمودارها، و برخی دیگر اصلاحات محتوایی از دیگر دستاوردهای مقاله در بخش نقد محتوایی است. وضعیت منابع نیز روزآمد ارزیابی می‌شود، اگرچه شایسته بود در دهه اخیر از منابع متأخر بهره بیشتر برداشته شود.

پی‌نوشت

۱. راقم این سطور نیز جز این در نظر ندارد، اگرچه شواهد زیادی بر اقتباس‌های عدیده از کتاب‌های غیرفارسی و ترجمه‌کردن عین آن کتاب‌ها وجود دارد که در آغاز نقد صوری ارائه شد و استنادکردن به منبعی بدون رجوع مستقیم به آن و صرفاً با اعتماد به رجوع دیگران، خلاف اخلاق پژوهش است، باید بر این باور بود که ایشان به‌شخصه به این منابع رجوع کرده‌اند، زیرا حکم اخلاقی دیگر هم وجود دارد که رفتار هر مسلمان باید بر نیکوترین صورت خود حمل شود.

کتاب‌نامه

- آرامبراستر، بی. بی. و تی. ایچ. آندرسون (۱۳۷۲)، «تحلیل کتاب درسی»، ترجمه هاشم فردانش، فصل‌نامهٔ تعلیم و تربیت، ش ۳۳.
- آرمند، محمد (۱۳۸۴)، «ملاحظات در نگارش متون درسی»، سخن سمت، ش ۱۴.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱)، روش‌شناسی تحقیقات کیفی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بی، ارل (۱۳۸۵)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، ج ۱، تهران: سمت.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۳)، پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی، ترجمه، تدوین، مقدمه، و تعلیقات سیدحمیدرضا حسنی، محمدتقی ایمان، و سیدمسعود ماجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تشکری، عباس و چارلز تدلی (۱۳۹۷)، راهنمای روش‌های آمیخته: در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی، ترجمهٔ دکتر مرتضی اکبری، زهرا فزونی‌اردکانی، زرغام عبدالهی‌پور، سارا جعفری، و نیلوفر مسروری، تهران: دانشگاه تهران.
- حراملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- دلاور، علی (بی‌تا)، سایت شخصی دکتر دلاور: <<http://www.adelavar.com>>.
- دلاور، علی (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- دلاور، علی (۱۳۹۲)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: رشد.
- دلاور، علی و شیرین کوشکی (۱۳۹۸)، روش تحقیق آمیخته، تهران: ویرایش.
- رضی، احمد (۱۳۸۷)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، کتاب درسی دانشگاهی؛ مجموعه مقالات همایش بین‌المللی کتاب درسی دانشگاهی، ج ۱، تهران: سمت.
- ریاضی، عبدالمهدی (۱۳۸۷)، «چهارچوب مرجع و نیاز به پرداختن به مهارت‌های سطح بالای شناختی و فکری در کتاب‌های درسی»، کتاب درسی دانشگاهی؛ مجموعه مقالات همایش بین‌المللی کتاب درسی دانشگاهی، ج ۱، تهران: سمت.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساعی، علی (۱۳۸۷)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: سمت.
- سبزواری، حاج ملاهادی (۱۳۷۹)، شرح‌المنظومه، تهران: ناب.
- شکوهی‌فر، حسین و دیگران (۱۳۸۷)، «اصول و روش‌های سازمان‌دهی محتوای کتاب درسی دانشگاهی»، کتاب درسی دانشگاهی؛ مجموعه مقالات همایش بین‌المللی کتاب درسی دانشگاهی، ج ۱، تهران: سمت.
- شیخ‌زاده، مصطفی (۱۳۸۷)، «ساختار کتاب درسی دانشگاهی براساس دیدگاه سازنده‌گرایی»، کتاب درسی دانشگاهی؛ مجموعه مقالات همایش بین‌المللی کتاب درسی دانشگاهی، ج ۱، تهران: سمت.
- صدرالمتألهین (۱۹۸۱م)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، بیروت: دار احیاء التراث.

- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸)، *نهایت‌الحکمه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۵)، *شرح الاشارات و التنبیحات مع المحاکمات*، قم: نشر البلاغه.
- کوکبی، مرتضی و دیگران (۱۳۷۵)، «بنیان‌های فلسفی روش‌های تحقیق کمی، کیفی، و آمیخته؛ به‌بهانه نقدی بر کتاب روش تحقیق آمیخته»، *مجله نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات*، ش ۹.
- کیوی، ریموند و لوک وان کامپنهود (۱۳۸۹)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.
- لیونکا، مری الن (۱۳۸۶)، *نحوه نگارش و تهیه کتاب درسی دانشگاهی*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: سمت.
- ملکی، حسن (۱۳۸۰)، *مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه*، تهران: سمت.
- ملکی، حسن (۱۳۸۴)، «نظریه‌ها و تجربه‌ها: شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی (بخش پیکره و متن)»، *سخن سمت*، ش ۱۵.
- منصوریان، یزدان (۱۳۹۲)، «صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی نگارش و پژوهش کتب دانشگاهی*، د ۱۷، ش ۲۹.
- نوروززاده، رضا و محرم آقازاده (۱۳۸۷)، «یادگیری از متن کتاب درسی؛ عامل اثربخش در فرایند یاددهی - یادگیری نظام آموزشی»، *کتاب درسی دانشگاهی؛ مجموعه مقالات همایش بین‌المللی کتاب درسی دانشگاهی*، ج ۱، تهران: سمت.
- واس، دی. ای. د. (۱۳۸۹)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- هسی بیبر، شارلین نگی (۱۳۹۶)، *روش تحقیق آمیخته (به هم پیوستن نظریه با عمل)*، ترجمه مقصود فراس‌خواه، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

Creswell, John W. and Vicki L. Plano Clark (2007), *Designing and Conducting Mixed Methods Research*, SAGE Press.

Hesse-Biber, Sharlene Nagy (2010), *Mixed Methods Research: Merging Theory With Practice*, Guilford Press.

Tashakkori, Abbas and Charles Teddlie (2010), *Mixed Methods in Social & Behavioral Research*, SAGE Press.

Whiting, Bartlett J. (1977), *Early American Proverbs and Proverbial Phrases*, USA: Belknap press of Harvard University Press.